جام جم
رسانه
MEDIA
۹
پنجشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۳ شماره ۶۹۰۷

همسر شهیدی که به «دوکوهه ادبیات» رفت

کارگردان «دوکوهه ادبیات» از پخش هشتمین قسمت این برنامه با موضوع رشادت‌های مردم استان گیلان خبر داد که مهمان آن همسر شهید «محمد اصغری‌خواه» یکی از فرماندهان گردان کمیل است.

سیده مجتبی اسدی‌پور گفت: سیده نساء هاشمیان‌سیگارودی، مهمانی از خطه سرسبز گیلان در هشتمین قسمت از برنامه دوکوهه ادبیات حضور دارد که متولد ۱۳۳۸ است و مدرک دکتری دارد. او همسر شهید محمد اصغری‌خواه از فرماندهان گردان کمیل لشکر قدس گیلان است. وی افزود: هاشمیان‌سیگارودی چندسالی است که پس از بازنشستگی از آموزش و پرورش و سر و سامان دادن فرزندانش، قلم به دست گرفته و می‌خواهد ناگفته‌هایش را بیان کند. از جمله آثار ایشان می‌توان به کتاب‌های «منتظر یوسف باش»، «فرمانده آسمانی» و «حسن تی‌شی» را نام برد

آخرین کتاب هاشمیان، «گیل مانا» است که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. اسدی‌پور ادامه داد: یکی از ویژگی‌های برنامه دوکوهه ادبیات این است که در هر قسمت، برنامه تقدیم به یک شهید می‌شود که برنامه استان گیلان تقدیم به شهید سیداحمد سادات‌کیایی شده است. برنامه دوکوهه ادبیات، چهارشنبه‌ها ساعت ۱۹ از شبکه چهار سیما پخش می‌شود و بازپخش آن پنجشنبه‌ها ساعت ۱۲:۳۰ است.

گو با سرپرست نویسندگان مطرح شد

ینی براساس واقعیت

دوم این سریال است. وی در گفت‌وگو با جام جم بیان می‌کند: در فصل جدید، سعی کردیم چند یم. در فصل اول، کارهای ما به صورت دو اپیزود بود و هر ۱۵ دقیقه یک پرونده بررسی می‌شد. ل دراماتیزه‌سازی و پیرنگ داستانی نیاز به پرداختن بیشتر به جزئیات داستان و پرونده‌ها، هیم و هر قسمت به صورت یک اپیزود واحد برگزار شود. این تصمیم در یک نشست تخصصی ن کارگردان و دیگر دوستان تهیه‌کننده مورد بحث و تصویب قرار گرفت. وی در خصوص دلایل ا برای این تغییر این بود که به عنوان مخاطب، علاقه داریم به لایه‌های درونی شخصیت‌ها ل پرونده‌ها می‌پرداختیم و در واقع تنها یک خبر سریع را بررسی می‌کردیم. اما در فصل دوم، ستان‌های فرعی داشتیم که ما را مجاب کرد تا هر قسمت را با مدت زمان بیشتری ارائه دهیم. فصل دوم وجود دارد این است که ما همچنان به پرونده‌های واقعی پرداخته‌ایم، اما در این جامعه‌شناختی بالاتر را مدنظر قرار دادیم. به عنوان مثال، به موضوعاتی مانند آلودگی آب‌های ی پرداخته‌ایم. آقای قاضی در این فصل به مشکلات کلی‌تر اجتماعی توجه کرده و از معضلات است.

ره بین

وم، ما به بررسی موضوعات اجتماعی مانند مشکلات خودرو، باشگاه‌های ورزشی و معضلات همچنین سعی کردیم به پرونده‌هایی از استان‌های مختلف و روستاها بپردازیم، مانند پرونده‌ای تاها به دلیل دزدی برق از کارخانه‌ای دچار مشکل شده بود. ما تلاش کردیم تا چالش‌هایی ضی می‌خورد را مورد بررسی قرار دهیم و از نگاه مرکزگرا عبور کنیم. به عنوان مثال، به مشکلاتی بالاستفاده در حومه شهرها و استان‌ها دارند، پرداخته‌ایم. این موارد تمایز ما در فصل دوم صل اول بود، هرچند در فصل اول نیز به برخی از این موضوعات پرداخته شده بود، اما در فصل نها بیشتر توجه کردیم. به طور کلی، پرونده‌های ما از فیلم‌نامه‌ها و اقتباس‌های واقعی الهام شده‌اند. اولا، این پرونده‌ها به صورت نعل به نعل نیستند، به این معناکه شخص دقیقا همان داخواست یا کیفرخواست را ارائه نکرده است که این نکته بسیار مهمی است. همچنین، ما سعی کردیم به گونه‌ای پرونده‌ها را معرفی نکنیم که فردی احساس کند پرونده‌اش به‌طور مستقیم در جامعه مطرح شده و موجب آبروریزی برای او یا خانواده‌اش شود. چرا که در موارد دیگر این چالش به وجود آمده بود، که کسی گفته بود این مورد دقیقا پرونده من است. ما پرونده‌هایی را انتخاب می‌کردیم که به مسائل مهم قوه قضاییه مرتبط بودند. قوه قضاییه به ما اعلام می‌کرد که حجم بالایی از پرونده‌ها در حوزه خانواده، مالی و وراثت وجود دارد. ما این موارد را بررسی می‌کردیم و سعی داشتیم که در تعامل با قوه قضاییه، آقای قاضی را در زمینه آموزشی برای مخاطبان فعال کنیم؛ چرا که سریال آقای قاضی دو شکل دارد. یکی جنبه دراماتیک و دیگری آموزشی. برای ما بخش آموزشی مهم بود و نادیده گرفته نشد. به عنوان مثال، در یکی از اپیزودها، یکی از شخصیت‌ها برای گرفتن وام بیشتر، خانه‌اش را به نام دامادش کرده و این موضوع به عنوان یک تخلف مطرح می‌شود. این نوع پرونده‌ها می‌تواند باعث ارجاع بسیاری از مسائل به قوه قضاییه شود. ما با حجم زیادی از پرونده‌ها مواجه بودیم که قوه قضاییه در طی سفرهایش، موضوعات پرارجاع را به ما اعلام می‌کرد. اولویت اول ما پرونده‌های پرارجاع به قوه قضاییه بود و اولویت دوم پرونده‌هایی بود که بار آموزشی بالاتری داشتند و به نوعی مبتلابه جامعه بودند. عنوان مثال، موضوعاتی مانند کلاهبرداری‌های مالی و سوءاستفاده‌های فضای مجازی. نکته این است که جامعه ممکن است اقداماتی را به اشتباه قانونی بداند، در حالی که این اقدامات هستند. به عنوان مثال، برخی افراد فکر می‌کنند که با خرید زمین، مالک آن هستند، در حالی ست از این موضوع غافل باشند که قانون به گونه‌ای دیگر عمل می‌کند. این سه مورد از جمله ند که در انتخاب پرونده‌ها برای ما تأثیرگذار بودند.

ه عنوان می‌کند: نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم این که بسیاری از ما می‌پرسند که چرا آقای ده‌های جنایی نمی‌پردازد.. ما به طور کلی پرونده‌های جنایی مانند قتل، افترا و تجاوز را در سی نکردیم، هرچند این پرونده‌ها بار دراماتیک بالایی دارند، اما بار آموزشی ندارند. به عنوان سر یا فرزند هیچ گونه آموزشی برای جامعه ندارد. در واقع، دو جنبه دراماتیک و آموزشی برای ت دارد، و پرونده‌های جنایی فقط بار دراماتیک دارند و ممکن است هیجانات اجتماعی را مین دلیل، در «آقای قاضی» سعی کردیم به «دادگاه‌های کیفری» به معنای جنایت، پرداخته نسبت به این واژه‌ها حساسیت دارد. ما پرونده‌های کیفری در آقای قاضی داشتیم و تعداد ا پرونده‌های جنایی مانند قتل، غارت و تجاوز را نداشتیم. توجه به این نکته بسیار اهمیت دهد: در فصل دوم تلاش کردیم بار شخصیت‌پردازی و بار دراماتیک کار را افزایش دهیم، زیرا سیت‌ها ارتباط برقرار می‌کند تا با موضوع. به همین دلیل، نیاز داشتیم که تعامل آقای قاضی با ربازش بیشتر از فصل اول باشد. برای مثال، در فصل دوم، به ارتباطات آقای قاضی و دستیارش، ا از دست رفته بود، بیشتر پرداختیم. در قسمت اول، ما بیشتر به مشکلات آقای قاضی در ی نویسنده و تیم کارگردانی این بود که فضایی مبتنی بر شخصیت‌پردازی و پیرنگ داستانی

صرفا به خاطر کاهش هزینه‌ها یا چالش‌های کارگردانی، به انتخاب بازیگران ناشناخته یا کمترشناخته شده روی نیاورده‌ایم. این یکی از وجوه اصلی درام داستان آقای قاضی است. اصطلاحا گفته می‌شود شیمی کار باید به خودش بیاید. ما می‌خواهیم کار به گونه‌ای باشد که تماشاگران فکر کنند واقعا دوربین مستند در دادگاه قرار دارد و این پرونده‌ها واقعی هستند. به همین دلیل، باید از افرادی استفاده کنیم که کمتر شناخته شده‌اند تا مردم بتوانند به این اتفاقات باور داشته باشند. نکته دوم، انگیزه‌های درونی این جوانان و بازیگران تئاتر است که بسیار به کار کمک کرده است. آنها می‌خواهند خود را معرفی کنند و بازی بهتری در برابر آقای خلج ارائه دهند. نکته سوم این که ما در تلویزیون نیاز داریم نیروهای جدید و مستعد را به جامعه هنری معرفی کنیم. در آقای قاضی، ما بین ۱۲ تا ۱۸ نویسنده جدید را معرفی کردیم که هم اکنون در حال نوشتن فیلم‌های سینمایی، سریال‌ها و فیلم‌های کوتاه هستند. معرفی هنرمندان جوان و مستعد به جامعه، یکی از مهم‌ترین کارهایی است که می‌توانیم از طریق تلویزیون انجام دهیم. در آقای قاضی، بیش از ۲۰۰ بازیگر جوان معرفی شدند که امروز در تئاترها، سریال‌ها و سینما به کار گرفته می‌شوند. این موضوع به ما کمک می‌کند تا به تدریج در حوزه هنر پوست‌اندازی کنیم، چه در متن، چه در بازیگری و چه در کارگردانی. امیدواریم در فصل سوم بتوانیم دادگاه را به شکلی گسترده‌تر نشان دهیم. به این معناکه ممکن است در راهروهای دادگاه یا فضاهای پیرامونی پرونده‌ها قرار بگیریم. در حال حاضر، ما هیچ شناختی از قبل و بعد پرونده‌ها نداریم. در فصل سوم، برنامه‌ریزی ما این است که از قبل و بعد پرونده‌ها اطلاعاتی به مخاطب بدهیم. فرض کنید حکمی به فردی داده شده و او در حال خروج از دادگاه است؛ چه اتفاقی برای این فرد می‌افتد؟ برای مثال، پدر و مادری که حکم جدایی گرفته‌اند، یا موضوعات دیگر. ما باید پس از صدور حکم، داستان آنها را بررسی کنیم. همچنین می‌خواهیم بخشی از داستان را از قبل از پرونده‌ها در فصل سوم بگنجانیم. سعی خواهیم کرد به این دو نکته بیشتر توجه کنیم. در پایان از گروه نویسندگی آقای قاضی تشکر می‌کنم. در این سریال ۱۲ تا ۱۸ نویسنده را معرفی کردیم که به ما کمک کردند. این موضوع به این دلیل است که در مسیر تولید گاهی اوقات برخی از آنها از مجموعه جدا شدند. به نظرم این سریال یکی از سخت‌ترین پروژه‌ها در بخش نویسندگی فیلمنامه، شخصیت‌پردازی، پیرنگ و زاویه دید است که البته همه اینها با دیالوگ انجام می‌شود. فیلمنامه آقای قاضی به شدت مبتنی بر دیالوگ است و این کار را برای نویسنده بسیار دشوار می‌کند. من واقعا قدردان تمام تلاش‌های آنها هستم که در کنار من بودند.

ایجاد کنیم تا مخاطب بتواند همذات‌پنداری بیشتری با شخصیت‌ها داشته باشد و با آنها احساس همدلی کند. وی می‌گوید ما می‌خواهیم این احساس را در ذهن مخاطب ایجاد کنیم که امیدواریم چنین قضاتی در جامعه‌مان وجود داشته باشد. در اینجا باید اشاره کنم که ما دو رویکرد در برنامه‌سازی داریم. یکی رویکرد سلبی است که معضلات اجتماعی را فقط می‌بیند، بیان می‌کند و به مشکلات موجود اشاره دارد، بدون این‌که راه حلی ارائه دهد و رویکرد دیگر، ایجابی است که به ما می‌گوید مشکلات اجتماعی وجود دارد، اما باید به دنبال راه‌حل‌ها و آینده‌ای روشن باشیم. ما ایده‌آل‌ها و آمال‌مان در جامعه را به تصویر می‌کشیم و سعی می‌کنیم جامعه را به سمت این افق هدایت کنیم. این رویکرد ایجابی گاهی مورد انتقاد برخی هنرمندان و برنامه‌سازان قرار می‌گیرد که می‌گویند چنین ایده‌هایی در ایران وجود ندارد. اما ما معتقدیم باید چیزی بسازیم که وجود ندارد تا جامعه برای تولید و تحقق آن تلاش کند. فقط نشان دادن بدی‌ها کافی نیست، زیرا این بدی‌ها خود به خود در جامعه ادامه خواهند یافت. هنرمند باید بار مسئولیت جامعه‌اش را بر دوش بگیرد و آینده‌ای را که می‌خواهد برای آن ترسیم کند، به وضوح مشخص نماید. ما از آنچه که می‌خواهیم، دوریم ولی باید به آن برسیم. پس به سمت آن آینده آرمانی حرکت می‌کنیم. برکتی رشد و پرداخت شخصیت آقای قاضی با بازی خلج را امری چندسویه می‌داند و تصریح می‌کند: واقعیت این که برای رسیدن به آقای قاضی، یک تعامل دوسویه یا حتی چندسویه بین کارگردان، نویسنده و آقای خلج وجود داشت. بهزاد خلج به شدت روی این شخصیت و فضا کار کرده است، چه در فصل اول و چه در فصل دوم. من خودم شاهد این موضوع بودم که آقای خلج به دادگاه‌های مختلف رفته و با قاضی‌ها دیدار کرده است. این تعاملات ایشان تا حدی پیش رفته که حالا دیگر دوستان قاضی جدی دارند. خلج با این دوستان نشسته و زندگی آنها را بررسی کرده تا بفهمد چه اتفاقات درونی‌ای ممکن است برای شخصیتش بیفتد. در مورد شخصیت آقای قاضی باید گفت که او باید از هر پرونده الهام بگیرد. در جلسات دورخوانی که چندین بار برگزار می‌شد، این جلسات هم با تیم بازیگری و هم به صورت شخصی با آقای خلج انجام شد. ما برای درک هر دیالوگ و چالش‌ها بارها گفت‌وگو می‌کردیم. گاهی اوقات به پیشنهاد آقای خلج، برخی دیالوگ‌ها تغییر می‌کرد و این تغییرات به نفع کار بود. در مواردی نیز دیالوگ‌هایی اضافه می‌شد که به شخصیت آقای خلج عمق بیشتری می‌داد. ما به جزئیات دقت می‌کردیم، مانند این‌که آقای خلج در کجا باید فریاد بزند یا کجا باید یک فکت قانونی ارائه دهد. برای مثال، برخی بازجویی‌های دادستان‌ها را دیدیم تا بفهمیم چگونه می‌توانند اقرار بگیرند و این جزئیات به آقای خلج منتقل شد. حتی گاهی اوقات، نگاه نکردن به شاکی خود یک محاسبه دقیق بود یکی از قضات به ما گفت که گاهی اوقات به شاکی نگاه نمی‌کند تا او احساس کند که حمایت نمی‌شود. این موضوع باعث می‌شود که شاکی بیشتر تلاش کند و دست و پا بزند. نقاط روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در این فرآیند گروهی به آقای خلج منتقل شد و آقای مهرگان نیز به خوبی بر این فضا تسلط داشتند. در فصل دوم، ما رفتار تعلیق‌آمیز بیشتری داشتیم. مثلا وقتی وارد دادگاه می‌شدیم، به نظر می‌رسید که حق با شاکی است، اما در پایان اپیزود ممکن بود متوجه شویم که متهم درواقع حق دارد.

ایجاد حلقه تعاملی

نویسنده آقای قاضی عنوان می‌کند: این فضای تعلیقی در کار وجود دارد و ممکن است مخاطب را فریب دهد، بنابراین یک حلقه تعاملی بین نویسنده، کارگردان و بازیگر به شکل یک مثلث حسی و دراماتیک به وجود می‌آید. دیالوگ‌ها بارها خوانده و بررسی شد تا مشخص شود کجا باید چه حسی منتقل گردد، کجا باید فریاد بزنیم و کجا سکوت کنیم. بنابراین، ما فقط متن را نمی‌نوشتیم و از بازیگری فاصله نمی‌گرفتیم. باید تأکید کنم شخصیت‌های فرعی آقای قاضی نابازیگر نیستند؛ آنها جوانانی هستند که در تئاترهای مختلف بازی کرده‌اند و کمتر دیده شده‌اند. در حال حاضر، بسیاری از آنها در پلتفرم‌های مختلف و در تهران و شهرستان‌ها مشغول کار هستند و در دوره‌های جدی آموزش بازیگری شرکت کرده‌اند. درواقع بازیگرند، اما چهره نیستند. آقای قاضی به عنوان یک برنامه تلویزیونی آموزشی دراماتیک، نقش مهمی در معرفی این بازیگران به جامعه سینمایی دارد، مشابه آقای خلج که بعد از آقای قاضی به دنیای سینما معرفی شد. برکتی بیان می‌کند: آقای قاضی یک سریال تلویزیونی آموزشی دراماتیک است که می‌خواهد وجه استنادی خود را حفظ کند. این نکته بسیار مهم است، زیرا برای حفظ این وجه، ناچار است از فضای کلاسیک بازیگری و سریال‌های مرسوم دوری کند. ما آشنا شود. از آنجا که بسیاری از این بازیگران برای اولین‌بار جلوی دوربین تلویزیون قرار می‌گیرند، این امر به تازگی، جذابیت و واقع‌گرایی بیشتر سریال افزوده است. بازیگران مجموعه آقای قاضی، بیشترشان تجربه کار تئاتر را دارند و از همین رو، در ایفای نقش توانمندند. با این حال، چهره‌شان برای مخاطب تلویزیون آشنا نیست و همین مسأله می‌تواند به واقعی‌بودن فضای دادگاه کمک بسیاری کند.

استفاده از موضوعات اجتماعی و فرهنگی

سریال «آقای قاضی» به موضوعات اجتماعی و فرهنگی روز جامعه نیز پرداخته است. این موضوعات شامل مسائلی مانند حقوق زنان، محیط زیست، و چالش‌های اقتصادی می‌شود که به‌خوبی در داستان‌های مختلف گنجانده شده‌اند. این رویکرد به مخاطب این امکان را می‌دهد که با چالش‌های واقعی جامعه آشنا شود و درعین حال، به تفکر درباره این مسائل ترغیب شود. به عنوان مثال، یکی از پرونده‌ها به شکایت یک فعال محیط زیست از نیروگاه‌هایی که به طور غیرقانونی از سوخت آلوده‌کننده استفاده می‌کنند، می‌پردازد و یا در مورد دیگری پرونده در مورد ارتباط عاطفی بود که در آن چکی بدون پشت‌نویس بین طرفین این ارتباط ردوبدل شده بود. این نوع موضوعات، به مخاطب این احساس را می‌دهد که مسائل حقوقی تنها مختص به دادگاه‌ها نیستند و در زندگی روزمره نیز وجود دارند. نکته مهم، قاطعیت قاضی در برخورد با این پرونده‌هاست. حتی در برخی موارد، به‌وضوح دیده می‌شود که عوامل دخیل در شکایت، در تلاش برای پرداخت رشوه به قاضی هستند و این شخصیت با همان استواری و قاطعیت، حکم می‌دهد. حتی در یک سکانس نشان داده شد که مالک خانه‌ای که خود قاضی در آنجا ساکن است او را تهدید کرده بود که در صورت ارائه حکم علیه او، حکم تخلیه خانه‌اش را صادر می‌کند. لبخند و خونسردی قاضی در مقابل این پیامی که به او رسید، نشان از آن دارد که به خودش و کارش مطمئن است و ابایی از این ندارد که آسیبی به او برسد.

هرچند نباید از لطافت آقای قاضی غافل بود. او همان قدر که در اجرای حکم قاطع است، در برخورد با افرادی که رنج دیده‌اند با لطافت رفتار می‌کند؛ به خصوص اگر پای بچه‌ها در میان باشد. در قسمت اول فصل دوم نشان داده شد که قاضی با مرگ فرزند خردسالش روبه‌رو شده و به نوعی این لطافت و دلیل آن برای مخاطب روشن می‌شود. هر بار که پای کودکی به یک پرونده باز می‌شود، قاضی حال‌وهوای متفاوتی می‌گیرد و قاطعانه با ظلمی که بر کودک رفته برخورد می‌کند. این دوگانگی قاطعیت و لطافت، از چهره قاضی یک شخصیت قابل قبول و واقعی برای مخاطب ساخته که می‌تواند با آن همراه شود.

دیالوگ‌های جذاب و آموزنده

دیالوگ‌های مجموعه «آقای قاضی» را باید از دیگر نقاط قوت این اثر نمایشی دانست. دیالوگ‌هایی که هم نکات آموزنده و هم گاهی شوخی و مزاح دارد و مخاطب را بهتر با خود همراه می‌کند. این دیالوگ‌ها نه تنها به پیشبرد داستان کمک می‌کند، بلکه به تماشاگران اطلاعات حقوقی نیز ارائه می‌دهد. قاضی در گفت‌وگوهای خود با طرفین پرونده، سوالات و نکات مهمی را مطرح می‌کند که به بیننده این امکان را می‌دهد تا با پیچیدگی‌های حقوقی آشنا شود. این رویکرد باعث می‌شود تماشاگران در حین تماشا، به یادگیری و تحلیل مسائل حقوقی بپردازند. تاکید قاضی به مواردی که می‌تواند از شکل‌گرفتن پرونده‌های مشابه جلوگیری کند، از جمله مسائلی است که در این دیالوگ‌ها به چشم می‌خورد. درست مثل وقتی که آقای قاضی بارها تاکید می‌کند که باید قرارداد را پیش از امضا، مطالعه کرد. تاکید روی برخی کلمات و کلیدواژه‌ها، در راستای همین آموزش به مخاطبان است. مثل وقتی که تفاوت متهم و مظنون بیان می‌شود.

بازخورد مثبت از سوی مخاطبان و منتقدان

سریال «آقای قاضی» با تمام کم‌وزیادی که دارد، توانسته بازخوردهای مثبتی از سوی موافقان و مخالفان داشته باشد. بسیاری از مخاطبان توانسته‌اند با شخصیت قاضی ارتباط برقرار کنند و از داستان‌های مختلف لذت ببرند. همچنین، نقدهای مثبت از سوی منتقدان نشان‌دهنده موفقیت سریال در ارائه یک درام جذاب و آموزنده است. به عنوان مثال، محسن ابراهیمی، رئیس امور فرهنگی قوه قضائیه، در تحلیلی به تحسین این سریال پرداخت و آن را یکی از بهترین و ماندگارترین آثار نمایشی در موضوع قضاوت و دادگاه در تاریخ معاصر ایران دانست. بسیاری از کارشناسان حقوقی نیز، وجود چنین برنامه‌ای را برای آموزش مخاطبان و آشنایی آنها با مفاهیم حقوقی ضروری می‌دانند و معتقدند مجموعه‌ای مثل آقای قاضی می‌تواند گام مثبتی از سوی تلویزیون برای ارائه محتوای درست و آموزنده باشد.

فضای نمایشی و کارگردانی

پر بیراه نیست که کارگردانی سجاد مهرگان در «آقای قاضی» به‌خوبی توانسته فضای نمایشی جذابی ایجاد کند. او با استفاده از تکنیک‌های مختلف فیلم‌برداری در حرکت و زاویه دوربین و کارگردانی، توانسته حس واقعی را به مخاطب منتقل کند. این امر باعث می‌شود بیننده نه تنها به داستان بلکه به روند دادرسی و چالش‌های حقوقی نیز توجه کند. همچنین، مهرگان با انتخاب موقعیت‌های مناسب و طراحی صحنه‌های جذاب، توانسته است به تماشاگران تجربه‌ای ماندگار ارائه دهد.

نگاهی به آمار بازدید این مجموعه در فضای تلوبیون نیز حاکی از آن است که مخاطب توانسته با این مجموعه ارتباط برقرار کند. بازدید این مجموعه در تلوبیون رقم ۱۰ میلیون را ردکرده که در میان مجموعه‌های نمایشی تلویزیون، کم‌سابقه است. این مجموعه به عنوان یک اثر نمایشی موفق در زمینه آموزش حقوق و افزایش آگاهی قضایی مخاطبان شناخته شده است. بازی بهزاد خلج و ساختار اپیزودیک سریال، به‌خوبی توانسته فضایی جذاب و آموزنده ایجاد کند. این سریال نه‌تنها به نمایش واقعیت‌های حقوقی می‌پردازد، بلکه به مخاطب این امکان را می‌دهد که با چالش‌های قانونی آشنا شود و درعین حال، از تماشای یک درام جذاب لذت ببرد. به همین جهت، سریال «آقای قاضی» را می‌توان گام مثبتی در جهت تولید یکی از ماندگارترین آثار تلویزیونی در زمینه قضاوت و مسائل حقوقی در تاریخ معاصر ایران به شمار آورد و به عنوان الگویی برای سایر تولیدات در این حوزه در نظر گرفت. پیش از این نیز بسیاری از کارشناسان حقوقی معتقد بودند که این مجموعه باید سراغ پرونده‌های کثیرالشاکی هم برود تا هشدار لازم به مخاطبان ارائه شود و از تکرار پرونده‌های مشابه جلوگیری شود. آقای قاضی در ایستگاه دوم خود قرار دارد و به نظر می‌رسد، بدون این‌که تغییری جدی در ساختار خود داده باشد مخاطب را با خود همراه کرده است. رسانه ملی در این راستا توانسته با یک اثر نمایشی، پندهای حقوقی لازم را در قالب یک قصه جذاب ارائه کند.

مستند «جمال‌الدین» در تلویزیون

مستند «جمال‌الدین» به کارگردانی امیر روئینی در هشتمین جشنواره تلویزیونی مستند حضور دارد و از شبکه مستند سیما پخش می‌شود. روئینی درباره سوژه فیلم خود گفت: این فیلم مستند به بازه‌ای از تاریخ اشاره دارد که برای اولین بار شاهد اتحاد مردم هستیم؛ اتحادی که نقطه اشتراک آن اعتقاد مردم است و منجر به پیروزی می‌شود. البته این اتفاق مهم به رهبری سیدجمال‌الدین اسدآبادی محقق می‌شود که تلاش کرد هم علما و هم مردم را همسو و با آگاهی بخشی آنان را از سوءاستفاده ممالک خارجه از جمله انگلیس مطلع کند. وی ادامه داد: تاکنون مستندهای زیادی درباره سیدجمال‌الدین اسدآبادی ساخته نشده است و دو اثر چنین سوژه‌ای دارند؛ یکی از آنها کاملا آرشیوی و دیگری تلفیقی از مصاحبه و آرشیو است. دقت داشته باشید سراسر زندگی سیدجمال‌الدین مبارزه بوده است و از این نظر می‌توان ۱۰ فیلم از زندگی وی ساخت. این فیلمساز مستند درباره فرم روایی اثر خود گفت: با توجه به محدودیت زمانی و تلاش برای این که قصه جذابی داشته باشیم، ابتدا در گام اول باید شخصیت را به درستی معرفی می‌کردیم تا مخاطب بهتر بتواند با او ارتباط برقرار کند.

مرجعیت اخبار همچنان دست صداوسیماست

محمدصالح مفتاح، رئیس باشگاه خبرنگاران جوان در برنامه «جام‌جم» گفت: گرچه با حضور شبکه‌های اجتماعی صحنه رقابت در حال تغییر است، ولی همچنان مرجعیت در تمام اخبار مهم در دست صداوسیماست. نظرسنجی‌ها موجود است. اگر به زمان انتخابات یا موضوعات مهم خبری در یکسال اخیر نگاه کنید، آیا سراغ دارید که صداوسیما مرجعیت نداشته باشد؟ از طرفی، درباره گستردگی سازمان صداوسیما معتقدم این قابلیت وجود دارد که سازمان کوچک‌تر شود یا تغییر پیدا کند. اما احتمالا شما صداوسیما را در چند بخش جزئی که بیشتر با آن مواجه بودید، ارزیابی می‌کنید. بخش عمده‌ای از این نیروها در شبکه‌های استانی هستند. احتمالا وقتی ارزیابی می‌کردید، شبکه‌های استانی را جزو تحلیل‌تان نیاورده‌اید.

وی توضیح داد: تا زمان انتخابات مجلس شورای اسلامی خیلی به ظرفیت استان‌ها توجه نداشتم. وقتی در انتخابات مجلس، مناظرات نامزدهای نمایندگی مجلس را برای اولین‌بار برگزار کردیم، مشخص شد چقدر در استان‌های‌مان توانمندی وجود دارد. آنها به صورت حرفه‌ای کارهایی تولید می‌کنند که بعضی از نمونه‌های آن را

سکانسی از یک تبانی با آقای قاضی

در یکی از قسمت‌های سری جدید مجموعه «آقای قاضی» متهم که استاد دانشگاه است و حکم آقای قاضی به مذاقش خوش نیامده بود، خطاب به او گفت که من این دادگاه را یک تبانی می‌دانم. او همچنین معتقد بود که آقای قاضی صلاحیت قضاوت یک استاد دانشگاه را ندارد و در نهایت مشخص شد که دانشجوها محقق هستند و استاد متهم است. این سکانس به واسطه بازی قوی بازیگرانش، توانست با مخاطبان ارتباط برقرار کرده و برخی نکات حقوقی را یادآوری کند.

ویدئو